

نشست علمی: مسأله شر در فلسفه و کلام اسلامی

علی افضلی

دوماهنامه پژوهش، ش ۱۸، خرداد و تیر ۸۵

چکیده: بیست و چهارمین نشست مؤسسه گفت‌وگوی ادیان، روز بیست و ششم اردیبهشت ۱۳۸۵ با حضور دکتر علی افضلی، استاد فلسفه دین دانشگاه علامه با عنوان «مسأله شر در فلسفه و کلام اسلامی» برگزار شد.

مسأله شر در فلسفه و کلام اهمیت زیادی دارد و در چند دهه اخیر، به این بحث بسیار توجه شده است. هم الاهیون و هم کسانی که تفکرات دینی را نمی‌پذیرند، هر دو بر سر این موضوع بحث‌ها و گفت‌وگوهایی کرده‌اند. اما، در فلسفه و کلام اسلامی به این بحث، با چنان جدیتی که امروز وجود دارد، پرداخته نشده؛ گویی این بحث، در ذهن فیلسوفان و متکلمان مسلمان بسیار جدی نبوده است. فیلسوفان مسلمان سعی کرده‌اند، مسأله شر را به گونه‌ای خاص حل کنند. آنها سعی کرده‌اند، نشان دهند، جایگاه شرور در عالم چیست، ماهیت آنها چگونه است و نحوه ارتباط و انتساب آنها به خدا چگونه است. و آن‌گاه عالم را به گونه‌ای تصویر کنند که در آن، شر، جایگاه معقول و مقبولی پیدا کند و با وجود خدا منافاتی نداشته باشد. اما راه حلی که فیلسوفان اسلامی برای این مسأله ارائه داده‌اند، از جهات مختلف، دارای کاستی‌ها و نقایص است و پاسخ اقناع‌کننده‌ای به مسأله شرور نیست و بیشتر رویکرد تبریته‌گرایانه دارد. آنها خواسته‌اند، از طریق عدم انتساب شرور به خداوند، معضل شرور را حل کنند. آنها می‌گویند: اشتباه می‌کنید که فکر کنید، شرور کار خدا است؛ شرور اصلاً ربطی به خدا ندارد. این خدا

بازتاب اندیشه ۷۶

نشست علمی:
مسأله شر
در فلسفه و
کلام اسلامی

نیست که در دنیا خالق شرور است و مطلقاً این فعل فعل خدا نیست. درحالی که به اعتقاد الاهیان هر موجودی در جهان، منتسب به خدا است. یعنی مخلوق خدا است و خدا علت او است.

به نظر آنها یکم: شرور عدمی هستند. دوم: شرور نسبی هستند. سوم: شرور لازمه ذاتی عالم ماده و طبیعتند. چهارم: شرور به ذات خدا منسوب نیستند. منظور از شرور وجود چیزهایی هستند که خودشان مستقیماً یک موجود نیستند؛ بلکه، عدم یک موجودند. مثلاً نور، وجود دارد، اما، ظلمت وجود مستقلی نداشته، بلکه، عدم نور است. دسته دوم شرور که وجودی هستند، شامل پدیده‌های طبیعی مثل زلزله، سیل و طوفانند. منظور فیلسوفان مسلمان از این که شرور عدمی هستند، این است که آن شروری که اولاً و بالذات شرند، از نوع دسته اولند؛ دسته دوم، هر چند وجودی هستند، اما ذاتاً شر نیستند. آنها از این بحث نتیجه می‌گیرند که اگر چیزی عدمی شد، خالق نمی‌خواهد. بنابراین وقتی فیلسوفان اسلامی می‌گویند: شرور عدمی هستند، منظورشان این است که چیزهایی که خدا آفریده، امور و موجوداتی هستند که در دنیا وجود دارند، اما امور عدمی که شرور هم از این قبیلند، اصلاً خالق ندارند و ربطی به خدا ندارند.

وقتی فیلسوفان اسلامی می‌گویند: شرور نسبی هستند. منظورشان این است که چیزهایی که شرند، فی نفسه بد نیستند؛ بدی آنها نسبت به موجودی دیگر است و از این نتیجه می‌گیرند که صفات حقیقی یک جسم، خالق می‌خواهند، اما صفات نسبی، خالق نمی‌خواهند. اگر خدا شرور را در این عالم نیافریده، پس چگونه به عالم راه پیدا کرده‌اند؟ فیلسوفان مسلمان معتقدند، علت راه پیدا کردن شرور در عالم این است که عالم ماده و طبیعت به دلیل این که در پایین ترین مرتبه وجود قرار دارند، نقایص و کاستی‌های بسیار در آن وجود دارند. این نقایص و کاستی‌ها ربطی به خدای متعال ندارند. و لازمه ذاتی ماده است.

فیلسوفان مسلمان تصریح می‌کنند که هدف خداوند از خلق عالم، خلق خوبی‌های عالم بوده است و مطلقاً مراد خداوند در خلقت جنبه‌های بد نبوده‌اند، اما در عالم طبیعت انفکاک خوبی‌ها از بدی‌ها غیرممکنند. چون بدی‌ها لازمه ذاتی عالم طبیعتند. بنابراین، فیض وجود باید تا انتها نازل شود و در پی آن یک سری شرور هم می‌آید. بنابراین، شرور به اعتبار هدف و علت غایی هم به خدا منتسب نیستند. اگر بخواهیم با منتسب نکردن شرور به خدا، مسأله شرور را حل کنیم و بگوییم، شرور ربطی به خدا ندارند و خدا مسؤول پیدایش شرور در عالم

نیست، در واقع صورت مسأله را پاک کرده‌ایم. مسأله این است که اگر خدا این عالم را آفریده، مسؤل است. عبارت «چگونه شر وارد عالم شده است» در بطن خود این معنا را دارد که گویی خدا نمی‌خواسته شر بیافریند، اما، به نحوی از روزه‌ای به این عالم راه پیدا کرده است. این عنوان نشان می‌دهد که فیلسوفان اسلامی می‌خواستند، از این طریق، ساحت قدس ربوبی را از انتساب به شرور تبرئه کنند. اما، این راه حل قضیه نیست. این طور نیست که خدا را از اتهام ظلم مبرا کنیم؛ به این صورت که بگوییم این قسمت از عالم ربطی به خدا ندارد. اشکال وارد بر پاسخ فیلسوفان مسلمان این است که آنها به آیات و روایات اسلامی مقیدند، اما راه حل‌های آنها

بائنص صریح آیات و روایات اسلامی نمی‌سازند. با مراجعه به متون اسلامی می‌بینیم، آیات و روایات اسلامی مسأله شر را این طور تحلیل نمی‌کنند. در آیات و روایات اسلامی، بحث شرور به تفصیل آمده‌اند. به اعتقاد من، کامل‌ترین پاسخ به مسأله شرور در عالمند و پاسخ‌های دیگر، چه از سوی فیلسوفان و متکلمان مسلمان و چه از سوی متألهان غربی ناقص، نادرست و ناتمامند.

نه تنها فیلسوفان مسلمان، بلکه همه کسانی که در شرق و غرب خواسته‌اند، مسأله شرور را حل کنند، از یک مورد بسیار مهم غفلت کرده‌اند و تا این امر را وارد بحث شرور نکنند، نمی‌توانند، پاسخی درست به مسأله شرور بدهند و آن توجه به فلسفه آفرینش است. شرور، بخشی از این عالمند و حکمت خلق شرور را نمی‌توان فهمید، مگر این‌که قبل از آن فهمید: «حکمت خلق کل عالم چیست؟». برخی از متفکران غرب در پاسخ به مسأله شر، به این مسأله دقت کرده‌اند و از این جهت است که برخی از متفکران غربی به حقیقت بیشتر نزدیک شده‌اند، تا متفکران اسلامی.

● اشاره

۱. ادعای جدی نبودن مسأله در میان فلاسفه اسلامی:

گوینده محترم ادعا دارد که توجه مسأله شر در چند دهه اخیر مورد توجه فلاسفه غرب قرار گرفته است و گویی این بحث در ذهن فیلسوفان و متکلمان مسلمان بسیار جدی نبوده است. درحالی‌که مسأله شر در فلسفه و کلام اسلامی، بسیار پراکنده‌تر، دقیق‌تر، واقع بینانه‌تر، و مبنایی‌تر از آنچه امروزه در غرب به صورت پراکنده مطرح می‌شود، طرح و بررسی شده است.

بازتاب اندیشه ۷۶
۵۲
نشست علمی:
مسأله شر
در فلسفه و
کلام اسلامی

۲. راه حل فلاسفه اسلامی برای مسأله شر:

توصیف‌های سخنران محترم از راه حل فلاسفه اسلامی قابل تأمل است: «از جهات مختلف دارای کاستی‌ها و نقایص است»، «پاسخ اقناع‌کننده‌ای به مسأله نیست»، «بیشتر رویکرد تیرئه‌گرایانه دارد»، «راه حل آنها با نص صریح آیات و روایات اسلامی نمی‌سازد» و «ناقص، نادرست و ناتمامند». آن‌گاه این توصیفات در برابر تبیین از راه حل فلاسفه اسلامی ارائه شده است که گوینده در واقع فهم و نظر نادرست خود را به نام فلاسفه و متکلمان مسلمان مطرح کرده است درحالی‌که نظر فلاسفه اسلامی چیز کاملاً متفاوت از گفته‌های وی می‌باشد.

در حقیقت، نسبت دادن توصیف‌ها و تبیین‌هایی مثل این‌که «شرور اصلاً ربطی به خدا ندارد»، «مطلقاً این فعل خدا نیست»، «امور عدمی اصلاً خالق ندارد»، «صفات نسبی خالق نمی‌خواهند و شر هم نسبی است»، «شرور به اعتبار هدف و غایت هم به خدا منتسب نیستند» به فلاسفه و ادعای این‌که فلاسفه با این کار صورت مسأله را پاک کرده و از قرآن و سنت دور شده‌اند، علاوه بر این‌که ادعایی بی‌اساس است. سخن فلاسفه اساساً این است که شرور امور وجودی نیستند. بدین توضیح که انسان با مقایسه امور وجودی، اموری را استفاده و انتزاع می‌کند که در جهان خارج واقعیت عینی ندارند بلکه از مقایسه امور وجودی انتزاع و اعتبار می‌شوند و اگر انتزاع‌کننده‌ای نباشد این امور حتی وجود ذهنی و اعتباری هم نخواهند داشت و این از جهتی معنای نسبی بودن شرور است. یعنی امری مثل سیل و زلزله که «ما آن را شرّ می‌پنداریم»، در حقیقت یک پدیده وجودی است که نسبت به سنجش‌ها و مقایسه‌های ما با امور دیگری مثل کشته شدن انسان‌ها یا حیوان‌ها شر به شمار می‌آیند و الا به خودی خود و به لحاظ وجودی بودن آنها شرّ نمی‌باشند. از همین معنا عدمی بودن و اعتباری بودن آنها نیز فهمیده می‌شود. در واقع امور عدمی موجود مستقل و واقعی نیستند و فقط با اعتبار و انتزاع شخص ناظر توصیف و تبیین می‌شوند. مثلاً آتش که امری وجودی است، خیر است و اقتضای احکام و سنت‌های طبیعی و وجودی ایجاب می‌کند که سوزاندن و حرارت جزء ذاتش باشد. از این رو اگر شخصی دست خود را در معرض شعله‌های آتش قرار داده و سوزاند به گونه‌ای که آسیب جدی به دست وی وارد آمد، این سوختن یک امر وجودی است که ملازم با طبیعت آتش و سنت طبیعت است؛ اما به لحاظ درد و عوارض ناشی از سوختن در بدن انسان، شر به حساب می‌آید، یعنی سوختن شر است بدین جهت که جنبه‌های وجودی انسان در آن بخش از مورد سوختگی (مثلاً دست) به فعلیت و کمال نرسید و همین عدم شدن کمال مطلوب شر است درحالی‌که خود سوختن از لحاظ وجودشناختی شر نیست زیرا اقتضای طبیعت آتش است.

اساساً چیزی که وجود خارجی ندارد خلقت و خالق داشتن درباره آن هم معنا ندارد. این که وی ادعا دارد فلاسفه اسلامی می‌گویند شر وجود دارد ولی به خداوند ربطی ندارد، از سوء فهم ایشان نسبت به وجود شر ناشی می‌شود، زیرا وجود شر وجودی انتزاعی و اعتباری صرف است و وجود خارجی عینی ندارد تا نیاز به خالق داشته باشد.

۳. ادعای این که راه حل فلاسفه با متون اسلامی (قرآن و سنت) نمی‌سازد، اولاً از عدم فهم صحیح و درک درست معنای گفته فلاسفه ناشی می‌شود، ثانیاً روایت و تعبیر دقیق و درست راه حل فلاسفه عین محتوا و مبانی عقلی شریعت نبوی است؛ که دایره مدار توحید می‌گردد. به طوری که صریح روایات شیعی بر مبدأ وجود بودن خداوند و امام (در سلسله طولی مخلوقات) دلالت دارند.^۱

